

# به بازسازی و نوسازی مناطق جنگزده چگونه بنگریم؟

- از بعد اقتصادی باید بازده و تأثیر طرحهای بازسازی در معیشت و زندگی خانوارهای جنگزده مورد بررسی و تجدید نظر قرار گیرد.
- آیا روش برخوردها با بازسازی و نوسازی مناطق جنگزده ویا عام تر بگوئیم بازسازی و نوسازی کل شهرها و روستاها کشور آنگونه هست که روحیه مقاومت، میل به پایداری و تحمل سختی و حفظ تعادل اجتماعی - حتی آنها که مستقیم اقتصادی در شرایط بحرانی را همراه با شوق به توسعه و یا غیرمستقیم دست اندرکار پیشرفت در مردم بوجود بیاورد یا تثبیت بازسازی و نوسازی مناطق جنگزده هستند تصور روشنی درباره مسایل بازسازی ندارند.
- مشاهده کرده ایم که بسیاری از برادران ما در مناطق جنگزده و یا غیرمستقیم دست اندرکار پیشرفت در مردم بوجود بیاورد یا تثبیت بازسازی و نوسازی مناطق جنگزده هستند تصور روشنی درباره مسایل بازسازی ندارند.

مقدمه - اولین سمینار سراسری بازسازی و نوسازی مناطق جنگزده در تاریخ دوم تا پنجم دیماه ۱۳۶۴ در تهران برگزار گردید.

در این سمینار برادر مخبر عضو شورای بازسازی و نوسازی جهادسازندگی سخنانی پیرامون تجربه جهادسازندگی در این امر ارائه دادند که تصمیم به چاپ آن گرفتیم، لکن برای آنکه موضوع مورد بحث باندازه کافی شکافته شده باشد مصاحبه کوتاهی نیز با ایشان در خصوص اهداف سمینار و نتایج بدست آمده انجام گرفت.

امید است طرح مطلب شروع خوبی باشد برای آندسته از علاقمندان به مسائل بازسازی و جنگ که مایلند دیدگاه‌های خود را طرح نموده و به نقد و بررسی بگذارند.

— با توجه به اینکه این اولین سمینار سراسری بازسازی و نوسازی بشمار میرود پس از گذشت حدود چهار سال از شروع کار، تشکیل چنین سمیناری چه اهمیت ویژه‌ای در بر دارد و اصولاً نظام بازسازی و نوسازی در جمع‌بندی تجربیات گذشته و اصلاح مسیر خود تاکنون موفق بوده است یا خیر؟

جواب: طرح مطلب از طرف مجله جهاد در این مقطع از زمان می‌تواند بسیار مفید باشد زیرا غالباً نتایج سمینارها در سطح محدودی منتشر میشود در حالیکه چنین موضوعاتی را باید با کلیه صاحب‌نظران در میان گذاشت و از آنان کمک گرفت. از طرف دیگر ما مشاهده کرده‌ایم که بسیاری از برادران حتی آنها که مستقیم یا غیرمستقیم دست اندرکار بازسازی و نوسازی مناطق جنگزده هستند مثل استانه‌های معین یا نیروهای مجری تصور روشنی درباره مسایل بازسازی ندارند. حال قیاس کنید آنهایی که در فاصله دورتری از موضوع قرار میگیرند و بطور کلی علاقمندان به مسئله چگونه میتوانند ذهن خود را نسبت به سیر حرکت بازسازی و نوسازی منظم نمایند.

واقعیت اینست که بازسازی مناطق جنگزده از آنجا که همراه با جنگ انجام میگردد، طبیعت آرام و صددرصد قابل کنترلی نداشته است. پیوستگی این مسئله با فرازونشیب‌های جنگ و مراحل مختلف آن باعث میشود که بیشتر از هر چیز به بازبینی، ایجاد انعطاف لازمه در روشها و انطباق آن با شرایط جدید نیاز باشد تا یک برنامه ریزی بمفهوم کلاسیک آن. همانطور که

میدانید بطور متعارف رسیدن به یک سری نتایج مشخص براساس اطلاعات و آمار معین و در طول زمان محدود پیش بینی میشود و چنین روش در کار بازسازی و نوسازی جز در بعضی سطوح کارآیی ندارد. اما با همه اینها ما در مقطعی هستیم که لزوم یک تحول چند جانبه در سیاست‌گذارها و روشها محسوس است. بسیاری از روشها خود در حین عمل تصحیح شدند و از نظر ما تنها می‌بایست در چنین سمیناری بصورت روشن و قاطع مطرح گردند و موارد دیگری هم وجود دارند که احتیاج به تبادل نظر بیشتر دارد و باید بر سر آنها به تفاهم و اشتراک نظر رسید تا امکان یک حرکت مؤثر بوجود آید.

سؤال: مراحل مختلفی که از آن اسم بردید و همچنین سوالاتی که برای آینده وجود دارد چه هستند؟

جواب: زمانی که یک جنگ در ابعاد گسترده و باصطلاح جغرافیایی مطرح است و بیشتر روی اشغال سرزمین و تصرف مناطق استراتژیک دور میزند، آثار بجا مانده از جنگ و صدمات وارده از نوع خاصی است نظیر ویرانی مزارع، تخریب

کامل شهرها، از بین رفتن شبکه‌های برق، راه، توقف جریان تولید و غیره، این همان مواردی است که در سال ۱۳۶۱ با آن روبرو بوده‌ایم. در مراحل بعدی وقتی که جنگ بصورت یک نبرد اقتصادی درمی‌آید نظیر بمباران واحدهای تولیدی - اقتصادی مهم یا در شکل تخریب و بمباران شهرها که بُرد سیاسی - اجتماعی پیدا می‌کند، خودبخود صدمات وارده و نحوه روبرویی با آن متفاوت خواهد بود. در اینجااست که نظام بازسازی و نوسازی باید بتواند حالت انعطاف‌پذیری خود را نسبت به مراحل مختلف حفظ نماید و هماتقدر برای کارهای ضربتی و بسیج گونه آمادگی داشته باشد که برای روبرویی با مسایل یک جنگ فرسایشی از همه مهمتر آنکه مشکلات مردم جنگزده و مهاجر که در کانون این بحث‌ها قرار دارند بنحو مطلوبی حل شوند، زیرا اگر نظام بازسازی و نوسازی مناطق جنگزده در کنار تمام سرمایه‌گذارهای مادی و معنوی خود نتواند جواب این مسئله را بدهد باید گفت که کلاً مسیر را اشتباه میرود.

در مورد تجربه‌ای که بدست آمده است و



مسائل آینده فکر می کنم دست اندرکاران بازسازی و نوسازی هر کدام بطریقی این موضوع را دریافته باشند که با یک امر موقت و کوتاه مدت روبرو نیستند. خوش باوری است اگر گمان کنیم که استکبار جهانی ما را در این گوشه از دنیا بحال خود باقی خواهد گذاشت چرا که بقول حضرت امام این بار تمامی کفر در مقابل تمامی اسلام ایستاده است، لذا دور از انتظار نیست که مملکت اسلامی ما باز هم با چنین مشکلاتی روبرو باشد. بر این اساس است که از خود باید پرسیم، آیا روش برخورد ما با بازسازی و نوسازی مناطق جنگزده و یا عام تر بگوئیم بازسازی و نوسازی کل شهرها و روستاهای کشور آنگونه هست که روحیه مقاومت، میل به پایداری و تحمل سختی و حفظ تعادل اجتماعی - اقتصادی در شرایط بحرانی را همراه با شوق به توسعه و پیشرفت در مردم بوجود بیاورد یا تثبیت کند؟

سمینارهایی نظیر این باید جواب مناسبی برای مسائل فوق پیدا کند و این نمیشود جز اینکه از گذشته درس بگیریم و خود را برای آینده آماده سازیم. در غیر اینصورت نتیجه تمام تلاشها خدای نکرده معکوس خواهد شد.

**سؤال: سمینار چه پیش بینی برای جمع بندی تجربیات و نظریات کرده است؟**

**جواب:** ما مطمئن بودیم که اگر قرار باشد شرکت کنندگان در بحثها پیش فرضهای متفاوتی را بعنوان تعریف خود از محدوده های بازسازی و هدف آن مدنظر قرار بدهند، امکان هماهنگ و یکسو کردن نظریات تقلیل می یابد بهمین لحاظ از قبل پیش بینی شده بود که مسایل بازسازی و نوسازی از چهار بعد اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و تشکیلاتی مورد بررسی قرار بگیرند با این شرط که به یک محور و یکسری سوالات مشترک عنایت داشته باشند و البته اگر در کنار آن مسایل خاص هر کمیسیون مورد توجه قرار گیرد مسلماً نتیجه گیری بهتری عاید خواهد شد.

سوالات مشترک هر چهار کمیسیون مواردی از این نوع بودند:

۱ - جنگ تدافعی ملت مسلمان ایران از لحاظ مقابله با توطئه های مستمر استکبار جهانی برای این ملت جنبه حیاتی دارد. در صورت استمرار تجاوزات و طولانی شدن نبرد، مردم (و دولت در کنار آنها) با امر بازسازی و نوسازی آسیبهای ناشی از جنگ (مادی و معنوی) چه

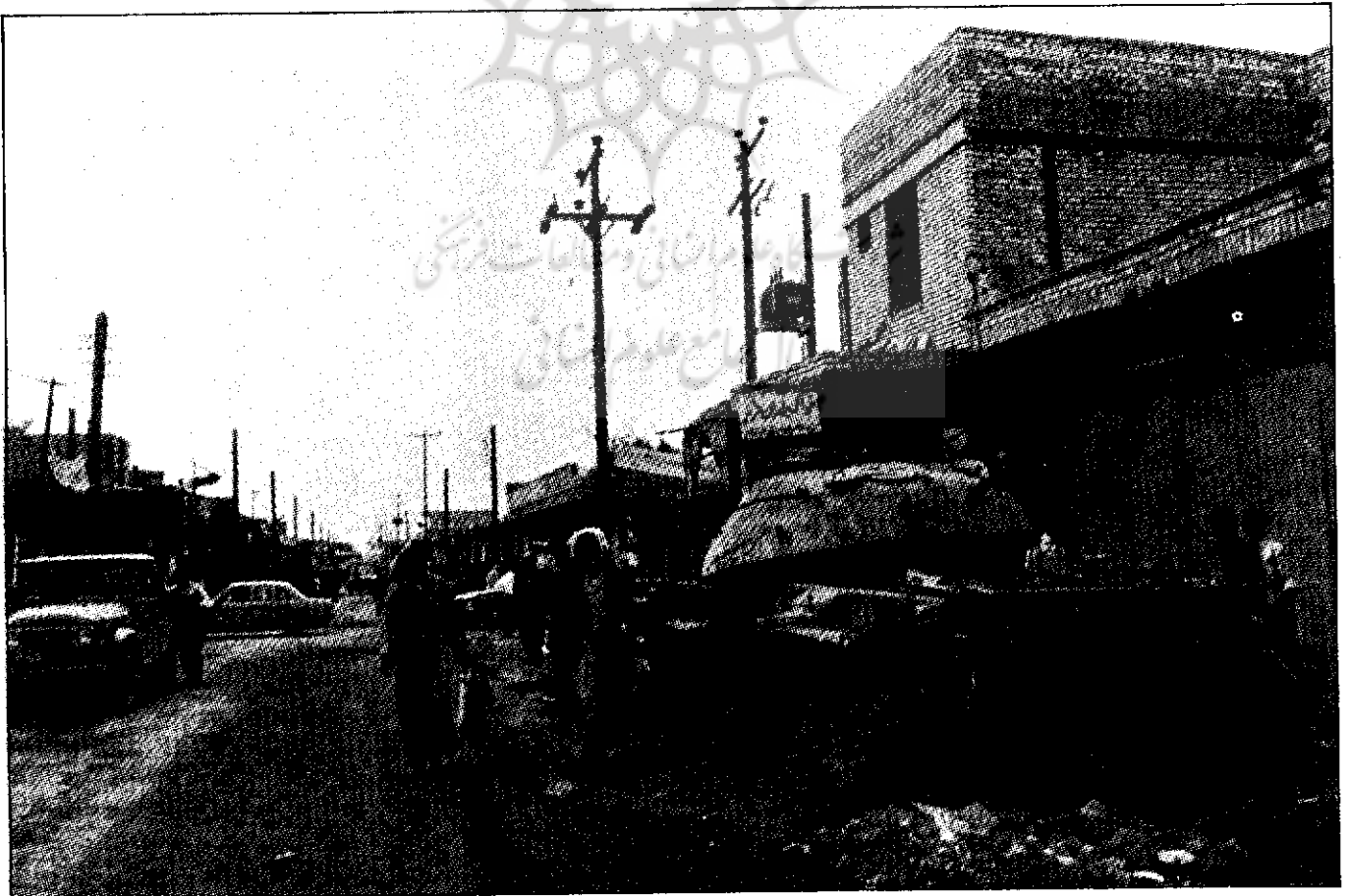
برخوردی باید داشته باشند؟

۲ - چگونه میتوان نظام بازسازی و نوسازی را آنچنان انعطاف پذیر و کارآ نمود که بتواند همپای مراحل مختلف جنگ به پیش رفته، ضمن جوابگویی به خواسته های مقطعی و نیازمندیهای عاجل مردم، گامی در جهت نزدیکی به جامعه مطلوب در میهن اسلامی ما باشد؟ (توجه شود که یکی از اهداف دشمن اینست که انقلاب جوان و پرشور ما را در تنگنای حل مشکلات روزمره و پاسخهای دفعی به سردی بکشاند و از دست یابی به اهداف متعالی آن باز دارد).

۳ - مهاجرین جنگ تحمیلی و جنگزندگان اگر مدت طولانی دور از زاد و بوم خود بسر ببرند، شیوه جدید زندگی (هم از نظر معیشتی و هم بلحاظ فرهنگی - اجتماعی) برای آنان دائم شده و دیگر جنبه موقت نخواهد داشت.

بازسازی و نوسازی مناطق جنگزده برای کنترل و سازماندهی این تحولات چه میتواند بکند؟

۴ - مشارکت مردم (یا بعبارت بهتر مشارکت دولت) در مراحل و سطوح مختلف بازسازی و نوسازی چگونه باید تضمین گردد و خصوصاً نحوه



بسیج و اعزام نیروهای معین (از جهات اجتماعی، اقتصادی و تشکیلاتی) چه ویژه گی‌هایی باید داشته باشد؟

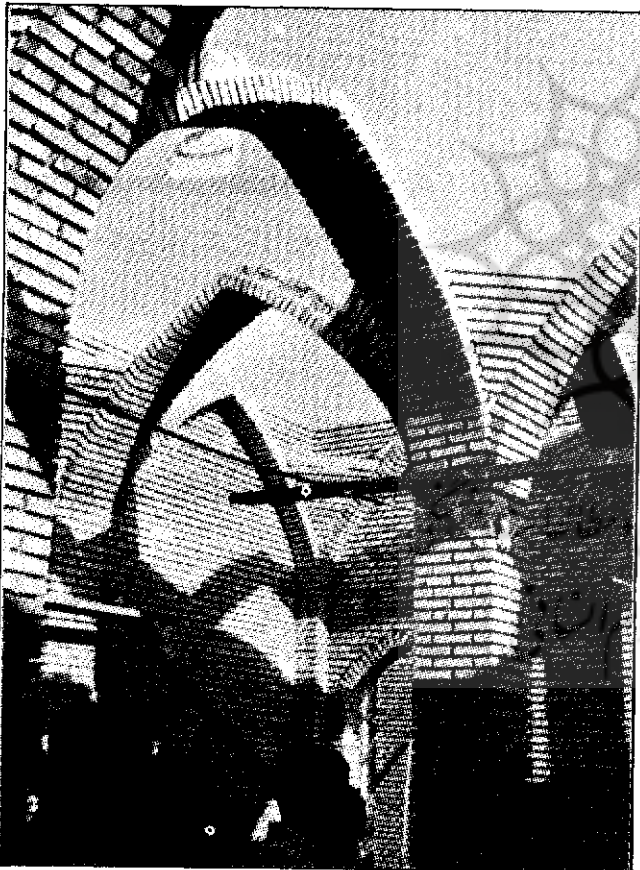
۵ - هماهنگی بین سرمایه گذاری در بخشهای مختلف اقتصادی - اجتماعی یا عبارت دیگر تهیه یک طرح جامع برای بازسازی و نوسازی مناطق جنگزده - بنحوی که حرکت های مقطعی و کوتاه مدت نیز در چهارچوب آن به مرحله اجرا درآید مستلزم فراهم بودن چه شرایطی میباشد؟ (هماهنگی با مراحل جنگ، آمایش سرزمین، تشکیلات اداری - مالی انعطاف پذیر و غیره).

ملاحظه می کنید که سوالات طوریت که نگاه آن به سوی آینده است. مسایل و مشکلات گذشته و حال وقتی که به تجربه درآیند دیگر مشکل نیستند بدین لحاظ نقطه ضعفی که میتوان برای نظام بازسازی و نوسازی شمرد اینست که هنوز دیدگاه های مختلف بر هم منطبق نشده اند که بتوان از آن یک سیر منطقی و مداوم برای حرکت بوجود آورد و یا بنا به تعبیریکی از دوستان بازسازی هم مثل انضباطی که در حرکت های رزمی وجود دارد از یک سلسله دستورالعملهای مشخص پیروی کند و لازم نباشد برای تشخیص کارهای مقدم و مؤخر یک مرحله عده ای جلسه بگذارند و حتی ماهها بحث کنند. این ویژگی را در تجربیات بعضی کشورهای اروپایی پس از جنگ جهانی دوم میتوان مشاهده کرد (البته پس از گذراندن سالهای بحرانی مقدماتی).

— نظربران راجع به نحوه برگزاری و نتایج سمینار چیست؟

جواب: در این برنامه هم بطور طبیعی نقاط قوت و ضعف مشخصی وجود دارد. از آن جمله: سخنانی که تعدادی از مسئولین مملکتی در رابطه با مسایل بازسازی و نوسازی ایراد کردند خصوصاً اعضای محترم شورای عالی بازسازی و نوسازی برای تشخیص جهت گیریهای کلی و درک نگرش آن عزیزان بر مقوله بازسازی و نوسازی حائز اهمیت است. معتقدیم که حتماً باید روی آن کار بشود.

● چند خط کلی برای حرکت در آینده بدست آمده است که گروه های کار باید آنرا تبدیل به طرح و برنامه کنند از جمله اینکه:  
— برای مهاجرین و جنگزده گان زمینه یک زندگی پایدار و معیشت مستقل فراهم شود.  
— حتی الامکان در نزدیکترین نقطه نسبت به



زاد و بوم مهاجرین، امکانات استقرار و ایجاد مجتمع های زیستی جدید از طریق تأمین زیر ساخت های فیزیکی و غیرمادی فراهم گردد.

— طرح جدیدی برای نظام بسیج و اعزام معین برای بازسازی و نوسازی تهیه شود. دستورالعمل های فعلی در حد سازماندهی نیروهاست و ملاحظات دقیقی را که در داخل مناطق باید مدنظر قرار گیرد (بازتاب های فرهنگی - اقتصادی نیروهای معین در مناطق جنگزده) جوابگو نمی باشند.

— تشخیص مسئله و اعلان نیاز از داخل منطقه

صورت گیرد و نیروهای معین و کمکهای بیرونی برای پر کردن خلأ و نقاط ضعف وارد عمل شوند بطور خلاصه پیاده کردن نظام غیرمتمرکز احتیاج به کار و عمل بیشتری دارد.

— چهارچوب های آمایشی و برنامه ریزی منطقه ای مورد عمل قرار گیرند.

و من نظر خود را اضافه کنم که برای تحقق

این خواسته ها باید تجدیدنظر اصولی در تشکیلات انجام گیرد نه باین معنی که اندر ضرورت وجود تعدادی ستاد بحث کنیم و بی رودربایستی بگویم «مسئله، مسئله خودمان بشود»، بلکه راه حل های اجرایی مشارکت کامل مردم را در تمام جریان بازسازی و نوسازی پیدا کرده و به آن عمل کنیم.

این مبحثی است که اگر خدا بخواهد در فرصتهای

مناسب دیگری باید عنوان و پیگیری شود. یکی از مواردی که بنظر من جای نقد دارد اینست که اغلب مسئولین استانهای جنگزده یا معین زمان ارائه گزارش و مطالبشان، بخش اعظمی از وقت محدود خود را صرف ارائه گزارش خرابیها و عملکرد دستگاههای استانی نمودند. در حالیکه در چنین سمیناری با وجود تذکراتی که داده شده بود اگر چکیده ای از تجربیات هر استان و دیدگاهشان نسبت به مسایل موجود و آینده یا نقاط قوت و ضعف حرکت را مطرح مینمودند بیشتر قابل استفاده میبود.

مورد دیگر آنکه اصولاً سمینار بلحاظ تعیین قبلی تعداد مشخصی سخنران و گزارش دهنده حالت بسته بخود گرفت و بغیر از خود کمیسیونها که در آنجا هم افراد تقسیم شده بودند، در جلسات عمومی که صبحها تشکیل میشد فرصت بحث و تبادل نظر جمعی وجود نداشت. امیدواریم نتایج بدست آمده در این مرحله بتواند دستور کار سمینارهای کوچکتر و تخصصی قرار گیرد. انشاء...

## متن سخنان برادر مخبر در سمینار سراسری بازسازی و نوسازی مناطق جنگزده - دوم تا پنجم دیماه ۱۳۶۴

در رابطه با اینکه چرا وقتی برای صحبت اینجانب اختصاص داده شده، خودم دو دلیل را متصور شدم که مبنای صحبت من را بر آنها میگذارم: اول اینکه وسعت عمل و مسایل مورد توجه جهادسازندگی ایجاب می کرده است که با مسئله بازسازی هم بصورت وسیع و چند جانبه برخورد داشته باشد، بحث از روستاهاست. رسیدگی به وضعیت سکونتگاههای روستایی که در سطح وسیعی از مین اسلامی ما در شرایط جغرافیایی - فرهنگی کاملاً متفاوت پراکنده شده اند و درصد بالایی از آنها زیر ۵۰ خانوار تراکم جمعیتی دارند، خود بخود اشکالاتی بوجود می آورد چه برسد به اینکه با موضوع روستاهای جنگزده و از هم پاشیدگی نظم و نسق در آن مناطق روبرو باشیم.

بدیهی است نظامی که از لحاظ برنامه ریزی و

اجرا چنین مسئولیتی را عهده دار میشود باید ضمن حفظ تحرک و کارآیی تشکیلاتی، رابطه مستقیم خود را با مردم در حد مطلوبی نگهدارد تا بتواند انجام کار را با مشارکت مردم سازماندهی کند و گرنه بطرز دیگری نمیشود.

لذا دور از ذهن نیست که جهادسازندگی برای پرداختن به این امر ستاد مستقل و در عین حال پیوسته ای به کل نظام جهاد بوجود بیاورد و در سال ۱۳۶۱ با تجهیز و تدارک ۵ جهاد میزبان و ۱۷ ستاد معین از لحاظ نیروی انسانی، سرمایه و ماشین آلات وارد مسئله بشود.

یکی از دوستان این واقعه را به تشکیل نیروهای واکنش سریع تشبیه میکرد. کنایه از اینکه ابرقدرتها نیروی ویژه درست می کنند برای تخریب و تجاوز و جمهوری اسلامی نیروی ویژه درست می کند برای نوسازی و سازندگی.

به همین مناسبت اگر جهادسازندگی خلاصه ای از تجربه وسیعش را در این زمینه مطرح کند در واقع برخورد سازمانی نکرده زیرا قشر عظیمی از مردم جنگزده و بخش وسیعی از کار به این تجربیات ارتباط مستقیم پیدا می کنند و تأثیری می گیرند.

موضوع دوم، اینکه بخاطر همین وسعت عملکرد و بسط تشکیلاتی که شاید در هیچ وزارتخانه یا نهاد مرتبط با بازسازی نظیر آن نباشد، ستاد بازسازی جهاد زودتر از هر جای دیگری لزوم انجام برخی تغییرات در نظام خود و تفکر درباره ماهیت بازسازی و پیوستگی آن با مسایل جنگ را احساس نموده و درباره آن اقدام هم کرده است.

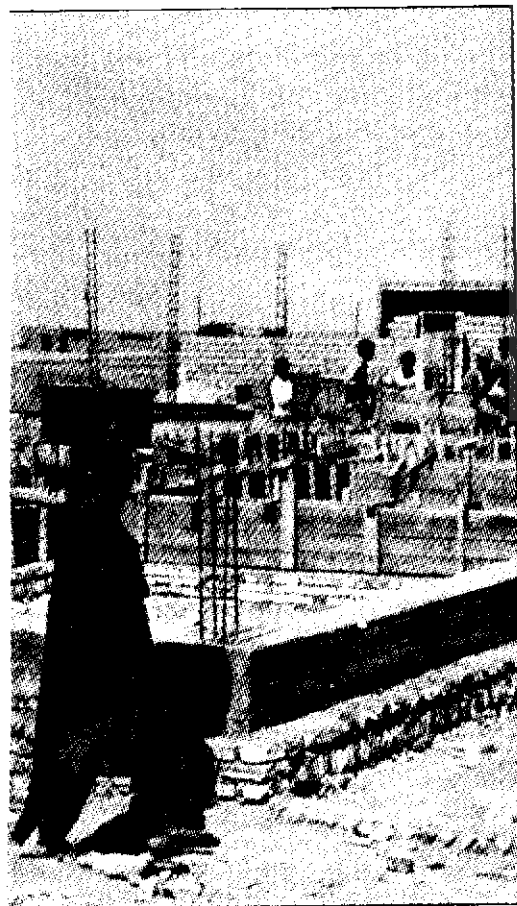
بنابراین از این بعد هم توجه به تجربیات جهادسازندگی میتواند مفید و برای برخی از مسئولین که ابهام دارند روشنگر باشد.

توجه میفرمائید که بنده قصد ندارم در اینجا کارنامه فعالیتهای جهادگران را در بازسازی و نوسازی مناطق جنگزده بازگو کنم بلکه تجربه جهاد را در اختیار خواهم گذاشت. اما بد نیست یادآوری کنم که طیف فعالیتهای جهادسازندگی در روستاهای جنگزده در فصل کشاورزی مسایل مربوط به آب و خاک، زراعت و دام و در فصل غیرکشاورزی راه سازی، آب آشامیدنی، برق رسانی ابنیه خدمات عمرانی، اقدامات بهداشتی و درمانی، صنایع روستایی و آموزش نیروی ماهر را دربرمیگرفته است یعنی تقریباً کلیه مسایل اساسی.

برای بیان مطلب کمی به عقب برمیگردیم و

در هر سال اتفاقات شاخص همان سال را مرور می کنیم زمانی که بازسازی و نوسازی مناطق جنگزده در بهار سال ۱۳۶۱ پس از چند عملیات موفق رزمندگان اسلام شروع شد همه بیاد دارند که چه وضعیتی بر مناطق حاکم بود. همه چیز تازه از زیر بار سنگین اشغال و جنگ و ویرانی خلاص شده بود و آثار خستگی ناشی از این تلاش عظیم در شئون مختلف زندگی و کار مردم مشاهده میشد. اغلب تشکیلات و نیروهای محلی یا درگیر جنگ بودند و یا بعضاً بکلی پراکنده و متلاشی شده بودند.

انسان امروزه که در مناطق جنگزده سفر میکند بدون اوضاع عادی و جنب و جوشی که در مناطق روستایی و بعضی شهرها بچشم میخورد از یاد انسان می برد که زمانی سراسر مناطق پر از خاکریز و سنگر و لاشه ادوات نظامی و مین و خطرات دیگر بودند و یا در مناطقی که ضدانقلاب با نیروهای اسلام درگیر بوده است، حاکمیت جمهوری اسلامی در سایه چه فداکاری قابل ارجی از سوی نیروهای سازنده بدست آمده است. بهر حال در چنین شرایطی واقعاً جز اینکه مطابق رهنمود حضرت امام مردم سراسر ایران وارد صحنه



شوند و ویرانه‌ها را بسازند راه دیگری نبود. انصافاً مردم بسیار خوب عمل کردند و آنچه را داشتند از جان و مال در اختیار مسئولین جمهوری اسلامی گذاشتند.

از طرف دیگر شروع کار بازسازی از بعد اجتماعی — سیاسی مشت محکم دیگری بود بر دهان از خدا بی خبرانی که تصور می کردند با تحمیل این جنگ برای مردم ما، ما دام العمر گرفتاری و دردسر درست کرده‌اند و دیدیم که این نبود و این نشد.

سال ۱۳۶۱ سال تجهیز و تدارک و استقرار نیرو بشمار میرود.

در سال ۱۳۶۲ بتدریج مقدمات فراهم شده ثمرات خود را نشان داد و ترمیم خسارات و آمده به بخشهای تولیدی در مناطق آزاد شده سرعت به جلو رفت. خصوصاً تسطیح اراضی کشاورزی راه اندازی موتورپمپ‌ها، ترمیم و احداث کانالها، تأمین آب شرب، راه، برق و غیره.

از سوی دیگر همکاران بازسازی ما در سایر وزارتخانه‌ها مشغول ترمیم زیر ساخت‌ها در ابعاد دیگر بودند نظیر شبکه‌های اصلی برق و راه و نظایر آن.



در کنار این مسایل جهادسازندگی دست به آزمایش خطیری زد و شروع به طراحی روستاهای جدید و ارائه خدمات عمرانی در روستاهای آزاد شده یا مناطق محدود از نظر نظامی کرد و در این رابطه صدها مدرسه، حمام و مسجد، انبار، تعمیرگاه و غیره ساخته شدند زیرا تصور غالب بین دست‌اندرکاران مسایل بازسازی این بود که ما با یک جنگ طولانی روبرو نیستیم و مردم بزودی بز خواهند گشت پس چه بهتر که طرحها کامل باشند، در همین رابطه فرآیند ساخت مسکن هم شتاب گرفت. همچنین چندین طرح بزرگ بمعرض اجرا گذاشته شد که بعضی از آنها نظیر اصلاح وضعیت نخلستانهای جنوب بعلت برخورد با مسایل نظامی متوقف شد و تعدادی از آنها نظیر طرح زهکشی و آبیاری اراضی حمیدیه تا دو سال دیگر هم ادامه دارد یا طرح لایروبی کرخه نور که به پایان نزدیک است.

در سال ۱۳۶۳ لزوم تجدیدنظر در برخی سیاستها و روشها کاملاً محسوس شد و ستاد بازسازی جهادسازندگی اقدامات زیر را انجام داد:

اول — از دامنه طرحهای عمرانی بشکل ساختمان سازی علیرغم اینکه عام‌المنفعه بودند بعلت عدم حضور مردم کاسته شد.

دوم — از تعداد معین‌ها که در سه استان خوزستان، ایلام و باختران حضور یافته بودند بدلیل آنکه ادامه کارشان توسط معین‌های دیگر میسر بود کاسته شد.

سوم — طرحهایی که در آنها لزوماً باید با اطلاع دقیق از مسایل مردم بومی حرکت کرد و جنبه‌های حقوقی دارد بتدریج از دستور کار معین‌ها خارج و به جهاد استان واگذار شد و معین‌ها بر انجام پروژه‌های مربوط به احداث زیرساخت که آن حد از مشارکت کامل مردم را ایجاب نمی‌نماید پرداختند. (بجز در مورد ثلاث باباجانی و گیلانغرب در باختران).

در سال ۱۳۶۴ بدلیل آنکه مناطق قابل فعالیت محدود باقی ماند و حتی بخشی از مناطق دوباره محدود و نظامی اعلان شدند و اعتبارات هم کاهش داشت و از طرفی جهادهای این سه استان توان اجرایی و اداری خود را بازیافته بودند باز هم سیرتفکیک فعالیت و تقسیم کار و تفویض مسئولیت ادامه یافت این بار:

— در درجه اول ستادهایی که در مراکز سه استان بنا بر ضرورت برای تدارک و تغذیه مالی و

کنترل طرح و برنامه ایجاد شده بودند کنار رفتند و بجای آنها دفاتر امور بازسازی در استانها تشکیل گردید که زیر نظر عضوی از شورای مرکزی جهاد استان اداره میشود.

— معین‌ها پروژه‌های جدید خود را محدودتر کردند و به اتمام و تحویل و تحویل پروژه‌های قبلی پرداختند.

— استانی شدن بخشی از بودجه هرچند در موقع زمانی نامناسبی به اجرا درآمد ولی بدلیل آمادگی قبلی استانها در تحویل گرفتن مسئولیت‌ها نتوانست به کل حرکت ضربه‌ای وارد نماید.

— در سال جاری تعداد دیگری از معین‌ها هم ضمن اعلام آمادگی برای کار در مناطق جدید منطقه را به جهادگران محلی سپردند و تشکیلات خود را کاملاً محدود کردند. (در حد اداره کارگاه‌های تولیدی...) در سال ۱۳۶۵ — اعتبارات بازسازی و نوسازی جهادسازندگی در ردیف اعتبارات استانها منظور شده و برادران ۵ استان با ارتباط نزدیکی که از طریق کمیته روستا با مقامات استانی و همکاران اداری خود دارند به تنظیم و پیگیری طرحها خواهند پرداخت و بهرحال بودجه با توان اجرایی استان منطبق است.

— نسبت پروژه‌های خدمات عمرانی به پروژه‌های تولیدی توسط ستاد مرکزی تنظیم شد تا سرمایه‌گذاری بیشتر در بخش معیشتی و اشتغال باشد.

— پیش‌بینی شده است که معین‌ها در چهارچوب طرحهایی برای آماده‌سازی اراضی و ایجاد تأسیسات زیربنایی جهت بازگشت و امکان مردم بتوانند فعالیت کنند که البته برای اینکار باید قبلاً برنامه و طرح تهیه شود.

### واما نتایج کار

در بخشی که به ستاد بازسازی و مسئولیت یک ارگان دولتی مربوط میشود:

۱ — از اتلاف وقت، نیرو و سرمایه برای انجام کاری که از خود منطقه برمی‌آید جلوگیری میشود.

۲ — در زمانی که کاهش اعتبارات، فعالیت‌ها را محدود کرده، تشکیلات استانی بازسازی و نوسازی جهاد میتواند بطور کامل وارد مسئله شده و به ابعاد مختلف کار تسلط کافی پیدا کند.

۳ — در صورت بسط دوباره فعالیت‌های بازسازی و نوسازی، مسئولین استانی خود نقاط

ضعف کار را تشخیص داده و میدانند که برای کجا و تا چه زمانی نیاز به وجود معین خواهد بود.

۴ - از نظر جهادگرانی که در شهرستانها و دهستانها به خدمت مشغولند بلحاظ رابطه مستقیم تری که با مشکلات مردم جنگزده برقرار میکنند، موضوع جنگ و بازسازی در حین جنگ نه یک موضوع ویژه و موقت بلکه جزئی از زندگی ایشان درمی آید. همین امر برای مردم بومی آنجا هم صدق می کند و این خود شاید بخشی از اهداف سیاسی - اجتماعی باشد که دولت خواستار آن بوده است.

در حال حاضر از سطح مرکز گرفته تا جهادهای دهستانی، در همه جا ستاد بازسازی و نوسازی جهادسازندگی را در کنار و دوشادوش ستاد پشتیبانی جنگ جهادسازندگی می بینید و جهادگران در تمام استانها بخشی از سال را بجنگ مشغولند و بقیه را به سازندگی.

۵ - ستادهای معین هم آماده اند که برای طرحهای مهم و لازم الاجرا در منطقه حضور پیدا کنند، طرحهایی نظیر تسطیح و آماده سازی زمین، تأمین آب کشاورزی، انواع سدها و بندها، شبکه ها، زیرساختها و غیره باین ترتیب بخشی از طرحها و برنامه ها از مسایل جاری زندگی مردم تفکیک شده و بعنوان طرحهای خاص در هر زمان و هر جا قابل پیاده شدن هستند.

و اما بخشی که به مردم مربوط میشود

۱ - مهمتر از هر چیز از دوگانگی در برخورد با فرهنگ و آداب و سنن زندگی مردم اجتناب خواهد شد.

۲ - مردم مجبور نیستند برای برآورده کردن هر یک از نیازهای خود به یک دفتر، یک ستاد و یک مسئول مراجعه کنند و جوابهای متفاوت بشنوند.

۳ - بلحاظ شناختی که برادران مسئول از زبان، سنن، مسایل و حتی اختلافات داخلی روستاها و بین آنها دارند، بهتر میتوانند با تماس با مردم تعیین اولویت کرده و نیازهای واقعی آنها را برآورده سازند.

۴ - سطح توقع و انتظارات مردم در مناطقی که بحد کفایت در آن کار شده است در یک حد معقول بقیه باشد. و خدای نکرده بخاطر چشم و هم چشمی به نیازهای غیرواقعی دامن زده نشود.

ممکن است بگوئید همه اینها که گفتی تجربه یک سازمان و یک نهاد است و مسئله بازسازی سلکت را حل نمی کند اما آنچه من مابینم تذکر بدهم اینست که بعد از گذشت چهار سال از شروع بازسازی نکند بخاطر اینکه ما به یک نظامی عادت کرده ایم نخواهیم و نتوانیم تغییرات لازم را در آن بوجود بیاوریم و تجربه بازسازی و نوسازی جهادسازندگی نشان میدهد که اینکارشدنی و منطقی است.

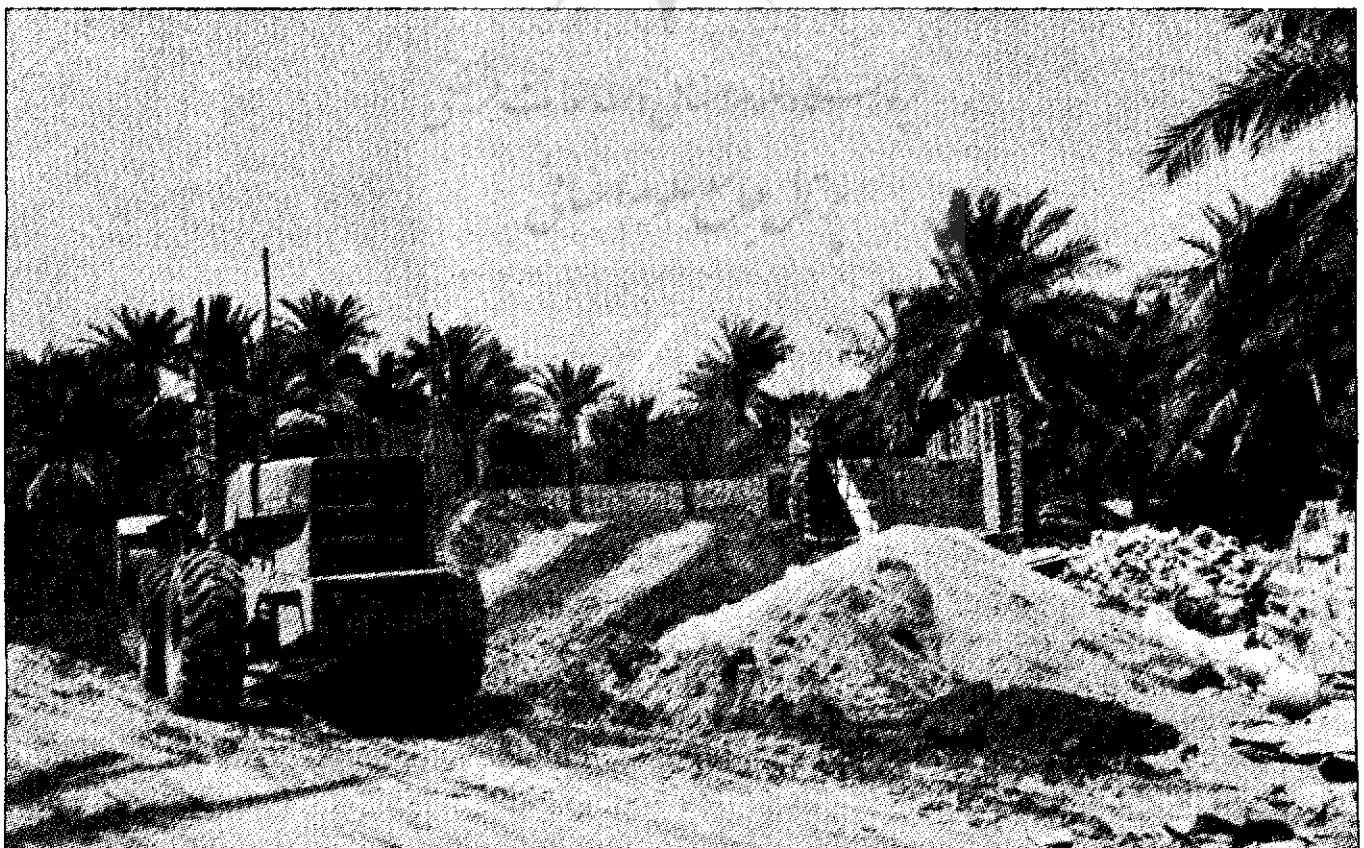
اول: از بعد اجتماعی، بسیج بازسازی و اعزام

نیرو و سایر فعاليتها چه در شهر و چه در روستا نباید از یکطرف به بهای بیرون بردن نیروهای سازنده یک استان باشد و از طرف دیگر به انزوا و کنار ماندن اقشار جامعه که خود موضوع اصلی بازسازی هستند بیانجامد و یا از بازده و مسئولیت افراد محلی بکاهد.

در اینجا مسئله مهاجرین جنگ تحمیلی و قصور ستاد بازسازی و نوسازی در تجهیز، تعلیم و بازگرداندن و بکارگیری آنها در بازسازی و نوسازی منطقه خودشان قابل توجه است.

دوم: از بعد اقتصادی باید بازده و تأثیر طرحهای بازسازی در معیشت و زندگی خانوارهای جنگزده مورد بررسی و تجدیدنظر قرار گیرد. خطر در اینجاست که ما همه مشغول اجرای پروژه های جورواجور و ریز و درشت باشیم و سر پرست یک خانوار مستضعف جنگزده هنوز در بدر بدنبال لقمه نانی برای سیر کردن شکم فرزندان و حفظ تعادل اقتصادی خانوار خود باشد. و یا اینکه بدانیم جوانان و نوجوانان مهاجر در اردوگاه ها اوقاتشان را چگونه می گذرانند و حظونا کتر آنکه حساسیتشان را هم نسبت به چنین مسایلی از دست بدهیم.

بنابراین تأثیر طرحهای بازسازی و نوسازی از نظر اشتغال زایی و تولید و امکان دادن استقلال معیشتی و فراهم کردن زمینه بازگشت بعنوان اولویت اول در هر فصل و بخشی که هستند باید توجه روشن و دقیقی داشته باشد و کسانی آنرا به



اجرا درآوردند که شناخت دقیق از مسئله دارند و هم آنرا ارزاتر اجرا می نمایند.

سوم: از بعد کالبدی، بخش ساختمان سازی که سرعت بالا می آید و توی چشم می زند و جذب پول در آن راحت تر هم هست ما را گول نزنند. نمیگویم به خانه های مردم کاری نداشته باشیم و درست است که ایجاد اشتغال در این بخش برای مقابله با بیکاری آسان تر است اما اثر منفی اینکار اگر از حد متناسب بگذرد در مراحل بعدی بمراتب بیشتر خواهد بود. این بحثی است که کمیسیون کالبدی میتواند وارد آن بشود که چطور تأمین نیروی ماهر در بخش ساختمان و مسکن بقیمت خارج شدن نیروی ماهر از بخشهای تولیدی تمام خواهد شد.

راههایی وجود دارد که این بخش هم بلحاظ سرمایه گذاری و هم بلحاظ اجرا شتاب معقول بخود گیرد.

چهارم: از بعد تشکیلاتی و اجرایی

باید پذیرفت که استانها خود شانه زیر این بار ببرند، معنی این حرف آنست که در صورت فعال تر شدن نظام اداری و نظام هدایت و نظارت بودجه و امکانات، تشکیلات میتواند در خلاصه ترین شکل خود امور را اداره کند. تجربیات سال ۱۳۶۴ خوزستان مویید این مسئله است که ستادهای استانی باید دست از امور اجرایی و بزرگ کردن بخش انبار و ماشین آلات بردارند و به سازماندهی و مدیریت بپردازند.

در کردستان و ایلام ما شاهد آن بودیم که مردم می گفتند: «اگر باید به شهر برگشت چرا ادارات از آن بیرون رفته اند؟ اگر آنها برگردند برگشتن ما هم میسر میشود.» این نشان میدهد که جوشش و حرکت و انگیزه باید از درون هر منطقه بوجود بیاید و نمیشود آنرا از بیرون تزریق کرد.

موضوع اعتبارات و نحوه توزیع بودجه میتواند در خدمت این هدف قرار گیرد، منتها یک شرط دارد آنهم اینکه استانها خود نشان بدهند که شرعاً و قانوناً نسبت به بودجه بازسازی تعصب دارند.

حضرت آیه... صانعی دامت توفیقاته صراحتاً فرمودند که جز در مواقعی که مسئول دولت تشخیص میدهد که از امکانات بازسازی میشود در جای دیگر مصرف کرد، صرف آن در محل غیر بازسازی جایز نیست.

اما تا زمانی که می بینیم در بعضی جاها بودجه بازسازی را که راحت تر از بودجه عمرانی



استان هم هست از سرنسوزی و تعهد صرف پر کردن نقاط خالی، تعهدات و دیدن و غیره ذلک می کنند دور از ذهن نیست که همیشه نوعی درگیری بین استانها و ستاد مرکزی بر سر کنترل بودجه و اعتبارات وجود داشته باشد. این سوء تفاهم رفع نخواهد شد مگر آنکه سیاست روشنی حاکم باشد.

و گرنه چه احتیاجی هست که طرحهای استانها جز در حد یک هماهنگی کلی بین بخشها و فصولاً از تصویب ستاد مرکزی بگذرد؟ ما معتقدیم همانطور که مسئولین محلی نباید کار مردم را بجای آنها انجام بدهند، همانطور لازم نیست که کار مقامات استانی بدست مسئولین دیگری انجام گیرد. تنها اینطور میشود از بار اضافی تشکیلات و مسایل دست و پاگیر کم کرد و بکار مردم پرداخت.

بطور خلاصه می خواهم بگویم که شرایط کنونی از چهار بعد با شرایط سال ۱۳۶۱ بسیار

تفاوت کرده و لزوماً نباید برای ادامه کار که حجم کوچکی هم ندارد عیناً مطابق انگوی سال ۱۳۶۱ عمل شود. شعار بازسازی توسط مردم بدست مردم درست است اما باید باندازه یک مجتهد در کار دقیق و سخت گیر بود تا تفسیر زمانی و مکانی درست آن بدست آید.

عرایضم را تمام می کنم و امیدوارم که خداوند ما را بحال خود واگذار نکند و رزمندگان ما را در پبایشان رساندن رسالت عظیمشان در قبال اسلام عزیز توفیق بدهد. بیاد بییتی از یک شعر افتادم که دوستی در مجلس ترحیم شهید عزیزی از بازسازی میخواند که:

لاله این چمن آغشته به رنگ است هنوز

سیر از دست مینداز که جنگ است هنوز